


مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هجدهم، شماره ۶۸، پاییز ۱۴۰۳
صفحه ۱۱۷ تا ۱۴۴


بررسی مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس

شورای اسلامی


دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد مدرسی 

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کیهان برزگر * 

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید مصطفی ابطحی 

استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران ایران

احمد بخشایش اردستانی

چکیده

مسئله مشارکت سیاسی یکی از مولفه‌های تعیین کننده در توسعه سیاسی و متعاقب آن توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع است. هر چقدر میزان تاثیرگذاری شهروندان بر فرایندهای تقنینی و اجرایی یک کشور محسوس و عینی و مبتنی بر رضایت‌مندی آنها باشد، مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد. مقاله حاضر از همین منظر به مسئله مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین ترتیب بوده است که علل و عوامل موثر بر کاهش میزان مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در انتخابات یازدهمین دوره محسوب می‌شود چه بوده است؟ عدم تحقق انتظارات مردم در زمینه‌های تقنینی، اقتصادی-معیشتی، ناکارآمدی و ناامیدی از عملکرد نمایندگان از مهمترین عوامل موثر بر کاهش مشارکت سیاسی شهروندان این شهر در انتخابات تلقی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان، خبرگان، فعالان سیاسی و شهروندان شهر اهواز بوده است. روش پژوهش کیفی و کمی بوده و ابزار پژوهش پرسشنامه نیز بوده است. بخش کیفی براساس نظریه رضایت‌مندی سیاسی تدوین شده است و بخش کمی آن به شکل تصادفی بوده است. این نمونه آماری توسط فرمول کوکران تعداد ۲۸۶ نفر از شهروندان اهوازی انتخاب شده اند و سپس با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه: مشارکت سیاسی، انتخابات، مجلس شورای اسلامی، رضایت‌مندی سیاسی، شهروندان اهواز.

* نویسنده مسئول: kbarzegar@hotmail.com

تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵



The Islamic Revolution Approach Quarterly

Vol. 18, No.68, Fall 2024, P 3-18

rahyaftjournal.ir

Examination of Political Participation of Citizens in Ahvaz during the Eleventh Term of the Islamic Consultative Assembly Elections

Mohammad Madrasi 

PhD student of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Keyhan Barzegar *

Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyed Mostafa Abtahi 

Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ahmad Bakhshaish Ardestani

Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

The issue of political participation is one of the determining factors in political development and, consequently, the economic and social development of societies. The more tangible and concrete the influence of citizens on the legislative and executive processes of a country is, based on

* Corresponding Author: kbarzegar@hotmail.com

How to Cite: Madrasi, M., Barzegar, K., Abtahi, S. M. (2024). Examination of Political Participation of Citizens in Ahvaz during the Eleventh Term of the Islamic Consultative Assembly Elections, *The Islamic Revolution Approach Quarterly*, 18(68), 3-18.

Received: 04/06/2024

Accepted: 21/07/2024

their satisfaction, the higher their political participation will be. This article addresses the issue of political participation of citizens in Ahvaz during the eleventh term of the Islamic Consultative Assembly elections from this perspective. The main question of this study is: What are the causes and factors influencing the decline in political participation of citizens in Ahvaz during the eleventh term elections? The failure to meet people's expectations in legislative, economic, and livelihood areas, as well as the inefficiency and disillusionment with the performance of representatives, are identified as the most significant factors contributing to the decline in political participation in this city. The target population of this research includes experts, specialists, political activists, and citizens of Ahvaz. The research employs both qualitative and quantitative methods, with a questionnaire as the research tool. The qualitative section is based on the theory of political satisfaction, and the quantitative part is random. A total of 386 citizens of Ahvaz were selected using Cochran's formula, and the data were analyzed using SPSS software.

Introduction

In recent decades, political participation has continuously expanded across various societies globally, with citizens increasingly seeking to influence decision-making processes in their respective political systems. Political participation represents an individual's engagement in political activities; it speaks to people's involvement in decision-making processes that significantly affect their situation. From this perspective, political participation can implicitly be understood as a structured effort by citizens to elect their leaders and influence the political direction of society through this route.

Main Body

The focus on Ahvaz in this study is particularly pertinent due to the socio-economic and political dynamics unique to the region. Ahvaz citizens' participation in the eleventh term of the Islamic Consultative Assembly highlights several issues influenced by a complex interplay of economic, political, and institutional factors. The main factors identified in the study as contributing to decreased political participation include economic hardships such as inflation and unemployment, perceived governmental economic mismanagement, and a broader disengagement from the political processes due to unfulfilled promises by politicians.

Furthermore, the study leverages the theory of political satisfaction, suggesting that individuals with higher social and economic satisfaction tend

to participate more actively in political processes. This theoretical framework underpins the qualitative analysis in the study, supported by empirical data collected through a survey of 386 citizens. The quantitative analysis, executed with SPSS, pointed to a significant correlation between political dissatisfaction and decreased participation rates, underscoring the pivotal role of effective governance and the fulfillment of electoral promises in fostering political engagement.

The role of media and civil society in monitoring and influencing political behavior is also critical, as these institutions can direct government actions more aligned with the actual needs of Ahvaz citizens, potentially increasing government efficacy and citizen satisfaction.

Conclusion

The study concludes that a variety of factors, primarily unmet economic and political expectations, have led to decreased political participation among Ahvaz citizens. These findings suggest the necessity for more robust and accountable governance structures to enhance political participation. Strengthening institutions, ensuring transparency, and fulfilling electoral promises are imperative to reinvigorate political engagement and trust among the citizens of Ahvaz. It also indicates that for future electoral cycles, addressing these core issues could lead to increased participation and a more vibrant democratic process in Ahvaz.

In sum, the study not only sheds light on the specific socio-political context of Ahvaz but also offers insights into the broader implications of political participation for democratic health and governance efficacy. This case study of Ahvaz can serve as a model for other regions with similar challenges, emphasizing the critical need for comprehensive approaches to political participation that consider both structural and individual factors influencing civic engagement.

Keywords: Political Participation, Elections, Islamic Consultative Assembly, Political Satisfaction, Citizens of Ahvaz.

مقدمه

در دهه‌های گذشته، مشارکت سیاسی به طور مداوم در جوامع مختلف جهان گسترش یافته است و شهروندان به دنبال تاثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌سازی در نظام‌های سیاسی حاکم بر خودشان هستند. مشارکت سیاسی^۱ به منزله‌ی شرکت فرد در فعالیت‌های سیاسی؛ از سهیم شدن مردم در تصمیم‌گیری‌های موثر بر وضع آنها حکایت می‌کند و اگر بتوان از این امر، فرایند مردمی کردن سیاست را به نحو تلویحی دریافت؛ جا دارد که به ویژه از مشارکت سیاسی، تلاش سازمان یافته شهروندان را برای انتخاب رهبران خویش و تاثیر بر هدایت سیاسی جامعه از این رهگذر مُراد کرد. به عبارت دیگر از این دیدگاه مشارکت سیاسی متضمن سهیم شدن اجتماعی فعال و غیرتوده‌ای و برابر و غیرآمرانه از بالا به پایین افراد و گروه‌ها (خصوصاً افراد و گروه‌های فرودست) در تلاشی سازمان‌یافته و سنجیده به منظور هدایت سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی‌شان از حیث دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش کنترل بر نهادهای سیاسی بوده است؛ چرا که از این منظر مشارکت سیاسی چیزی جز تاثیر حضور داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی بر توسعه ملی از لحاظ تحقق برابری حقوقی و بهره‌وری سازمانی و آرامش اجتماعی (در سطح کلان) و دسترسی به خودشکوفایی و احساس کرامت و مناعت خویشتن خویش (در سطح خرد) نمی‌نماید (Hudson, 2021: 23). بر این اساس مشارکت سیاسی از ویژگی‌های چند برخوردار است: اولاً مشارکت سیاسی مشروط به برابری و آزادی انسان‌ها است؛ یعنی این فرایند درصدد تمهید فرصت و امکانات مناسب نظری و عملی و بیانی برای تاثیرگذاری سیاسی آحاد جامعه از روزه کسب مشاغل عمومی و دخالت در عملکرد نهادهای دولتی به اتکای تبلور رقابتی شایسته سالارانه است؛ ثانیاً مشارکت سیاسی حق مردم و برخاسته از اقدام آگاهانه و هماهنگ آنان است؛ یعنی تحمیلی و فرمایشی و وضع‌کردنی و دعوتی و تبلور باج‌دهی و نوعی امتیازدادن نیست و بلکه مبین توان‌بخشی افراد و گروه‌ها از جهت اعاده‌ی قدرت به آنها جهت مقابله با مشکلات‌شان است و ثالثاً مشارکت سیاسی فرایندی مقدم بر تصمیم‌گیری‌های نهایی سیاسی در راستای نیل به توسعه سیاسی است، یعنی فعالیتی کمی و کیفی و مدرج در فرایند رایزنی سیاسی است که هرچند گستره و ژرفای آن متغیر و نهایتش در انتخابات و رای دادن متبلور است؛ اما به چنان سطح و عمقی از توسعه سیاسی

¹ . Political Participation

ختم می‌گردد که دیگر نه بی‌چون و چرا تسلیم به پیشوا و بی‌تأمل هم‌رنگ دیگران شدن می‌نماید و نه تغییر ظاهری اندیشه و عمل سیاسی آدمیان از حیث نهادینگی برون جوش الگوهای نمایشی دسترسی مردم به منابع و منافع قدرت. (Stacey, 2022: 47-48). از همین رو شاخص‌های تحقق مشارکت سیاسی را در دو مقوله متعارف (در وهله اول کنش رای دادن و تصاحب مناصب رسمی؛ در وهله دوم جستجوی اطلاعات و مباحثه سیاسی، فعالیت و مبارزه انتخاباتی، تشکیل گروه و حزب و ائتلاف‌های سیاسی و مرامی) و نامتعارف (تجمع تظلم خواهانه، اعتراضات، تظاهرات آرام و ناآرام، آشوب، خشونت، اعتصاب، شورش، تحریم انتخابات، برگزاری میتینگ، جنگ چریکی و انقلاب) دسته‌بندی کرد تا این فرایند به اتکای ارکان اقتصادی (رقابت آزاد)، سیاسی (حقوق مدنی وضع شده توسط نهادهای قانون‌گذار)، اجتماعی (تفکیک‌پذیری ساختی) و فرهنگی (فرهنگ سیاسی متکثرانه و همدلانه)؛ در تحقق نوسازی جامعه متجدد از رهگذر حفظ و استمرار اقتدار و استقلال ملی بر پایه رشد سیاسی و قوام مردم‌سالاری قوی دست‌گردد. (Giugni & Grasso, 2022: 12).

لذا بر این اساس معنای ضمنی دیگر مشارکت سیاسی، نشان دادن مشروعیت عمومی یک نظام سیاسی هم‌نیز هست. در تفسیر اولیه مشارکت بالای سیاسی می‌تواند نشان از مشروعیت یک نظام سیاسی در نزد شهروندان باشد و بالعکس. لذا برای هر حاکمیتی مساله مشارکت سیاسی در انتخابات رسمی اهمیت زیادی دارد. تجربه‌ی چهار دهه برگزاری انتخابات در ایران می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده همراهی و مشروعیت مردمی در جمهوری اسلامی ایران نیز باشد. در همین زمینه، برگزاری یازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۹۸، با کمترین مشارکت برگزار شد. طبق آمار رسمی «میانگین مشارکت را ۵۷/۴۲ درصد عنوان شده است که طی آن ۲۴ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر از مجموع ۵۷ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۱۵۹ نفر در انتخابات شرکت کردند. بیشترین درصد مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد و کمترین مشارکت هم به استان تهران با ۲/۲۶ درصد مربوط است. این آمار پایین‌ترین سطح مشارکت در همه انتخابات برگزار شده مجلس در ۴۱ سال اخیر است» (ایرنا، ۵ اسفند ۱۳۹۸). ناظر به این مقدمات و فارغ از زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور در زمان برگزاری این انتخابات، مقاله حاضر در تلاش است تا این علل کاهش مشارکت را در شهر اهواز را مورد بررسی قرار دهد تا به تصویری دقیق‌تری از این مساله در سطح محلی برسد. به همین جهت

سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین ترتیب است که: علل و عوامل موثر بر کاهش میزان مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در انتخابات یازدهمین دوره محسوب می شود چه بوده است؟ در مقام فرضیه اولیه و در پاسخ به سؤال اصلی باید گفت عدم تحقق انتظارات مردم در زمینه‌های تفنیی، اقتصادی-معیشتی، ناکارآمدی و ناامیدی از عملکرد نمایندگان از مهمترین عوامل موثر بر کاهش مشارکت سیاسی شهروندان این شهر در انتخابات تلقی می شود. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان، خبرگان، فعالان سیاسی و شهروندان شهر اهواز بوده است. روش پژوهش کیفی و کمی بوده و ابزار پژوهش پرسشنامه نیز بوده است. بخش کیفی براساس نظریه رضایت‌مندی سیاسی تدوین شده است و بخش کمی آن به شکل تصادفی بوده است. این نمونه آماری توسط فرمول کوکران تعداد ۳۸۶ نفر از شهروندان اهوازی انتخاب شده اند و سپس با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱. پیشینه تحقیق:

در باب مساله علل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی به طور اخص چند مقاله و به طور کلی درباب عوامل کاهش مشارکت سیاسی آثار ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

عبدالله و توکل نیا (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علل و عوامل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی» با روشی توصیفی-تحلیلی و شاخصهای اکتشافی از مشارکت ۳۰ نفر از نخبگان و اساتید دانشگاه در قالب گروه هدف به این نتیجه رسیده‌اند کوتاهی نمایندگان در قبال وعده‌های خود، رقابت سیاسی غیرنهادمند مبتنی بر ایده تکاپوی حذف رقیب و ستیز بین احزاب و جناح‌های سیاسی، بلا تکلیفی لایحه‌های CFT و پالرمو و عدم عضویت در FATF، محدودیت رأی دهندگان در گزینش نامزدهای مطلوب خود و تشریفاتی دانستن انتخابات و تحریم‌ها و تبعات آن بر اقتصاد و سیاست و هزینه اداره کشور بیشترین تاثیر را بر کاهش مشارکت مردم در انتخابات مذکور داشته است.

حاجی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی مشارکت سیاسی زنان بالای ۱۸ سال شهر اهواز» با ترکیب چهار نظریه جامعه‌شناختی و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه آماری ۲۰۰ زن بالای ۱۸ سال در اهواز به این نتیجه سیده است که هرچه زنان شهر اهواز دارای سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی و پایگاه

اجتماعی-اقتصادی بالاتری باشند و همچنین دارای هویت قومی قوی باشند و به میزان بیشتری از رسانه های گروهی استفاده کنند، مشارکت سیاسی بیشتری در جامعه خواهند داشت.

کریمیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «تحلیل جامعه شناختی نقش مسئولیت پذیری شهروندان اهواز در مشارکت سیاسی» با روشی پیمایشی و جامعه آماری زنان و مردان بالای ۲۵ سال اهوازی به این نتیجه رسیده اند که ۱) بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. ۲) بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. ۳) بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. ۴) بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. ۵) بین میزان مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

همتی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی علل کاهش مشارکت سیاسی در یازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران» با رویکردی توصیفی-تحلیلی نتیجه گرفته است که چالشهای اقتصادی، کاهش ارزش پول، ناکارآمدی قوه مجریه، کاهش تاثیرگذاری مجلس و در نهایت ناامیدی مردم به عنوان عوامل اصلی کاهش مشارکت شهروندان در یازدهمین دوره انتخابات مجلس بوده است.

شیخ زاده (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت مردم تهران در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی» با روشی پیمایشی و جامعه آماری ۴۳۰ نفره از شهروندان تهرانی نتیجه گرفته است که «کاهش اعتماد» به تغییر رویکرد مردم تهران در انتخابات مذکور انجامیده است و موجب کاهش رای دهی آنان گشته است.

شفیعی سیف آبادی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان» براساس نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریونویسی شوارتز و با توجه به سه مولفه پایگاه اجتماعی، محرک‌های محیطی و ویژگی‌های شخصیتی به این نتیجه رسیده است که عواملی چون تورم، شکاف طبقاتی، بیکاری و افزایش مشکلات اقتصادی-معیشتی هم به ناامیدی شهروندان زاز بهبود وضع موجود دامن زده و هم اثربخشی انتخابات ریاست جمهوری و چرخش نخبگان در رفع مشکلات را در نگاه آنها کاهش داده است.

امعان نظر در آثار تدوین شده در این حوزه نشان می‌دهد که مقاله حاضر به جهت تدقیق در سطح بومی و محلی انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی در شهر اهواز و بررسی دقیقتر عوامل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات مذکور دارای بداعت و نوآوری موضوعی است.

۲. چارچوب نظری: مشارکت سیاسی و نظریه رضایت‌مندی سیاسی

مقاله حاضر با تاکید بر نظریه رضایت‌مندی سیاسی انجام شده است. این نظریه مبتنی بر این پیش فرض است که اساساً افرادی که دارای رضایت‌مندی بیشتری از زیست اجتماعی و اقتصادی خود هستند، از مشارکت سیاسی بیشتری در فرایندهای سیاسی دارند (Hudson, 2021: 63). این نظریه از سوی دو تن از اندیشمندان مهم علم سیاست در آمریکا، یعنی ساموئل هانتینگتون^۱ و یوهان نلسون^۲ در کتاب «مشارکت سیاسی در جوامع در حال توسعه» (1976) مطرح شده است. این پژوهش رابطه بین رشد اجتماعی یا اقتصادی یا نوسازی و مشارکت سیاسی را مطالعه می‌کند و نقش عواملی چون توسعه اقتصادی، موقعیت اجتماعی، آگاهی گروه، سازمان گروه، گروه‌های ذینفع را که در مشارکت سیاسی نقش دارند بررسی می‌کند.

هانتینگتون و نلسون معتقدند که توسعه اقتصادی و اجتماعی، در دوره‌های بسیار طولانی می‌تواند به مشارکت سیاسی بیانجامد. یعنی «عواملی مانند فرهنگ، علایق مذهبی و عقیدتی، وجود احزاب کاملاً مستقل از حاکمیت، قانون اساسی مورد توافق همگان، نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگان سیاسی مخصوصاً نسبت به زنان، جنبش‌ها، اعتراضات و انجمن‌ها و پایگاه اقتصادی موجب ارتقای آگاهی و دخالت در سازمان‌ها و نیز مشارکت سیاسی را افزایش دهند» (Huntington & Nelson, 1976: 16). از منظر هانتینگتون و نلسون، توسعه اقتصادی-اجتماعی بواسطه‌ی دو مسیر قادر است تا مشارکت سیاسی را ممکن شود:

- مسیر نخست؛ معجری تحرک اجتماعی (متغیرهای منزلتی؛ یعنی میزان سواد و تحصیلات فرد)، است به این معنا که در جامعه باید مسیرهای جابجایی و ارتقای اجتماعی وجود داشته باشد؛ زیرا منزلت بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد

¹. Samuel Huntington

². Joan M. Nelson

احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست باشد. حاکمیت اگر قائل به بی‌قدرتی و احساس بی‌معنی بودن مردان و زنان در فعالیت سیاسی و مدنی و اعتقاد به بی‌تأثیری اعمال فردی توسعه سیاسی باشد این منجر به کاهش مشارکت سیاسی و عدم توسعه سیاسی منجر می‌شود.

-مسیر دوم مجرای سازمانی است؛ یعنی عضویت و مشارکت فعال در احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های اجتماعی (گروه‌های مدافع علائق خاص، اتحادیه‌های شغلی و صنفی) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (سبکتگین‌ریزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۷-۱۱۶).

از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بیشتر متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌هاست؛ یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن‌ها، اجتماعات و نهادهای مردمی، احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسؤولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می‌کند لذا تداوم همکاری و مشارکت، برای او حکم یک ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود (قوام، ۱۳۷۴: ۸۳).

هانتینگتون و نلسون، برحسب میزان و نوع مشارکت در نظام‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مدل‌های چندگانه‌ای تدوین کرده‌اند. مدل‌های آن‌ها به ترتیب زیرند:

الف) مدل سرمایه‌داری توسعه؛ در این مدل بیشتر به نیازهای سیاسی یک طبقه نوظهور متوسط در چارچوب توسعه نهادهای انتخاباتی و قانون‌گذاری توجه می‌شود.

ب) مدل مردم‌گرایی؛ در این مدل تأکید عمده بر مشارکت و تجهیز گسترده سیاسی مردم و مساوات اقتصادی علی‌رغم پایین بودن میزان رشد اقتصادی است.

ج) مدل لیبرال؛ نوسازی و توسعه در این مدل، موجب اعتلای شرایط مادی جامعه شده است. این نوع شرایط مادی، مستعد و پذیرای هر نوع تغییر با مسائل مختلف است. البته تلاش نظام، همواره حل و فصل مشکلات ناشی از این فرآیند است.

د) مدل استبداد و خودکامگی؛ در این مدل، دولت حامل و دارنده قدرت است. دولت از قدرت برای برخورداری از پشتیبانی طبقات پایین جامعه، برای سرکوبی و حذف طبقات متوسط استفاده می‌کند.

ه) مدل تکنوکراتیک توسعه؛ از ویژگی‌های اساسی این نوع حکومت، نخبه‌گرایی و پایین بودن سطح مشارکت مردم است. در این مدل، از مشارکت سیاسی مردم به نفع توسعه و رشد اقتصادی جلوگیری می‌شود (قوام، ۱۳۷۴: ۸۳)

طراحان مدل‌های مزبور سعی می‌کنند هر مدل را در دو شرایط توسعه‌ای بررسی کنند. یکی حالتی است که طبقات مختلف خواهان دسترسی به قدرت و مشارکت سیاسی هستند و دوم، وضعیتی است که به موجب آن، توسعه اقتصادی، نابرابری‌های اقتصادی را به دنبال دارد. در پایان، هانتینگتون و نلسون تلاش می‌کنند رابطه میان گسترش یا تحدید مشارکت سیاسی - اجتماعی و درجه برابری اقتصادی اجتماعی را بررسی کنند. هانتینگتون معتقد است معیارهای توسعه سیاسی، پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی هستند. در واقع مشارکت از دیدگاه وی، فعالیت شهروندان خصوصی برای تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت است. (سبکتگین ریزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۷-۱۱۶).

با توجه به نظریه‌ی رضایت‌مندی سیاسی باید گفت عوامل موثر برای حضور فعال شهروندان در مشارکت سیاسی که منجر به توسعه سیاسی می‌شود، عبارتند از اینکه مردم یک جامعه به این نتیجه برسند که حتماً می‌توانند در نتایج تصمیمات تأثیرگذار باشد و برای پرداختن به عمل سیاسی لازم نیست حتماً از موانع و سدهای چندانی بگذرد و در مورد مشارکت و توسعه سیاسی مورد نظر، شناخت و مهارت کافی دارند یا لااقل فکر می‌کند که از چنین آگاهی و دانشی برخوردار هستند. مردم معتقد هستند که عدم مشارکت آنها منجر به استبداد و دوری آنها از نتایج خوب خواهد شد. به طور خلاصه می‌توان گفت که که ارزیابی فرد از میزان اثربخشی و از توانایی و شایستگی‌اش در مشارکت سیاسی بر تمایل وی به مشارکت در امور سیاسی تأثیر می‌گذارد. بنابراین مشارکت سیاسی به عنوان یک حق، گونه‌ای از مصادیق حق تعیین سرنوشت در حقوق بشر می‌باشد که حق مشارکت و دخالت در اداره امور عمومی کشور و حکومت را برای زنان و مردان بصورت برابر لحاظ قرار می‌دهد. همچنین مشارکت سیاسی جزء حقوق مدنی و سیاسی «شهروندان» هر جامعه می‌باشد که مبتنی بر دو «حق انتخاب کردن» و «حق انتخاب شدن» می‌باشد. و از آنجایی که در شمار حق، ادعاها طبقه می‌شود لازمه آن وجود مکلف و متعهدی در مقابل این حق است. در مساله حق مشارکت سیاسی شهروندان دارنده حق و دولت متعهد به تضمین این حق است. لذا در حالیکه دولت به جز موارد استثنایی و موجه نمی‌تواند به مداخله تحدیدی در این حق بپردازد از سوی دیگر به عنوان متعهد در قبال این حق

می‌بایست آن مورد مداخله حمایتی قرار دهد. و همچنین دولت موظف است برای همه افراد جامعه (اعم از زنان و مردان) در تمام نقاط کشور امکان شرکت در انتخابات (انتخاب شدن و انتخاب کردن) را فراهم آورد.

به نظر می‌رسد که می‌توان براساس چارچوب تئوریک رضایت‌مندی سیاسی، علل کاهش مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی را در یازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار داد. زیرا این نظریه از یک سو بر زمینه‌های سیاسی مشارکت تأکید دارد و از سوی دیگر عوامل اقتصادی-اجتماعی را دخیل می‌داند. در ادامه یافته‌های پژوهشی براساس این چارچوب تئوریک مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری به شکل پیمایشی انجام شده است. از نظر زمان تک مقطعی است. جامعه آماری مورد پژوهش افراد واجد شرایط شرکت در انتخابات و بالاتر از ۱۸ سال شهر اهواز که در ۸ منطقه شهری ساکن هستند. به منظور تعیین حجم نمونه و با توجه به تناسب جمعیتی و پراکندگی این شهر از شیوه سهمیه‌ای تصادفی اسفاده شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۶ نفر به دست آمده است. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه با تعدادی از نخبگان سیاسی و پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۲۸ مولفه در قالب سوالات بسته بر طیف لیکرت تنظیم شده است. داده‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

بر مبنای چهارچوب نظری پژوهش و بهره‌گیری از ادبیات نظری تحقیق، به منظور عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق که در این تحقیق تحت عنوان علل و عوامل موثر در کاهش مشارکت در انتخابات نامیده می‌شود. شاخص‌های تحقیق به گونه‌ای طراحی شده تا ضمن تامین روایی و پایایی لازم به لحاظ آماری نقطه نظرات خبرگان، صاحب‌نظران و کارشناسان نیز مورد توجه قرار گیرند. در مسئله علل و عوامل مختلف کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از روش تجزیه و تحلیل آماری توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود تا داده‌ها طبقه‌بندی، تلخیص و پردازش شوند تا زمینه برقراری روابط بین داده‌ها فراهم شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها شاخص‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در بخش آمار توصیفی، فراوانی درصدها، میانگین و انحراف معیار

ارائه شد. در بخش استنباطی از آزمون T جهت مقایسه میانگین و از آزمون فریدمن جهت رتبه بندی شاخص ها استفاده گردید. لازم به ذکر است که پاسخ ها بر روی طیف لیکرت (کم، خیلی کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) به ترتیب با کدهای (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) در نظر گرفته شده اند.

جدول شماره ۱ (فراوانی خبرگان (کیفی)

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۴۰-۴۵ سال	۲	۱۰/۵
	۴۵-۵۵ سال	۸	۴۷/۳
	۵۵-۶۰ سال	۷	۴۲/۲
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۱	۵/۲
	کارشناسی ارشد	۶	۳۶/۸
	دکتری	۱۰	۵۸
سابقه کاری	۵-۱۰ سال	۱	۱۰/۵
	۱۰-۱۵ سال	۵	۳۱/۵
	۱۵ سال به بالا	۱۱	۵۸

طبق جدول فوق بیشترین فراوانی در سن مربوط به بازه ۴۵ تا ۵۵ سال می باشد که ۴۷/۳ درصد خبرگان را تشکیل می دهد. در زمینه مدرک تحصیلی، سطح دکتری با ۵۸ درصد، دارای بیشترین فراوانی می باشد. در نهایت سابقه کاری مطرح می شود که ۱۵ سال به بالا با ۵۸ درصد، دارای بیشترین فراوانی است. نتایج بدست آمده در آمار جمعیت شناختی به ترتیب در شکل های زیر نیز مشخص می باشد.

۴-۱ آمار جمعیت شناختی (بخش کمی)

در این بخش به منظور بررسی متغیر تحقیق پرسشنامه تهیه شده در میان ۳۸۶ نفر توزیع شد که در نهایت ۳۶۴ نفر پرسشنامه را برگشت دادند. سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات، هزینه ماهانه، علاقه مندی و مشارکت در انتخابات از جمله مواردی هستند که در این قسمت بررسی می شوند. خلاصه نتایج بدست آمده به شرح جداول زیر است.

جدول شماره ۲ (توزیع فراوانی مشارکت کنندگان)

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۱۸-۳۰	۱۴۵	۴۵/۱
	۳۱-۴۲	۱۲۷	۳۷/۴
	۴۳-۵۵	۷۴	۱۴/۶

۲/۹	۱۸	۵۵ به بالا	جنس
۷۱/۶	۱۹۶	مرد	
۲۸/۴	۱۶۸	زن	وضعیت تأهل
۳۸/۱	۱۶۲	مجرد	
۶۱/۹	۲۰۲	متأهل	اشتغال
۳۳	۱۲۰	بخش دولتی	
۱۰	۳۶	بخش خصوصی	
۱۱	۴۲	آزاد	
۹	۳۴	بیکار	
۱۰	۳۷	خانه دار	
۲	۷	بازنشسته	
۱۹	۶۸	دانشجو	
۳	۱۰	سرباز	
۳	۱۰	سایر	
۷	۲۸	ابتدایی	
۹	۳۲	راهنمایی	
۱۳	۴۸	دبیرستان	
۱۵	۵۷	دیپلم	
۱۰	۳۸	کاردانی	
۱۷	۶۴	کارشناسی	
۱۴	۵۲	کارشناسی ارشد	
۹	۳۳	دکتری	
۶	۱۲	حوزوی	
۶	۲۴	زیر یک میلیون	هزینه ماهانه
۱۱	۴۲	بین یک تا سه میلیون	
۱۵	۵۵	بین سه تا پنج میلیون	
۲۳	۸۴	بین پنج تا هفت میلیون	
۲۷	۱۰۱	بین هفت تا ده میلیون	
۱۸	۵۸	بالای ده میلیون	
۳۸	۱۳۶	اقتصاد	حوزه علاقه‌مندی
۲۴	۸۸	سیاست	
۱۲	۴۶	دینی و مذهبی	
۲۲	۷۹	اجتماعی	
۴	۱۵	سایر	
۲۶/۹	۹۱	مشارکت	مشارکت در انتخابات
۷۳/۱	۲۷۳	عدم مشارکت	

با توجه به نتایج بدست آمده، بیشترین بازه سنی مربوط به ۱۸ تا ۳۰ سال (۴۵/۱ درصد) می‌باشد. از طرفی آقایان با ۶۳/۲ درصد بیشتری فراوانی را به خود اختصاص دادند. اکثر افراد نمونه آماری تحقیق، متأهل (۶۱/۹ درصد) هستند و شاغلین آزاد (۳۰/۷ درصد) نیز بیشترین فراوانی را دارند. در ادامه تحصیلات نمونه آماری مطرح می‌شود که سطح تحصیلات دبیرستان (۳۳/۹ درصد) بیشترین فراوانی و سپس کاردانی (۱۸/۱ درصد) دارای بیشتری میزان تعداد افراد می‌باشند. هزینه ماهانه افراد به طر متوسط بیشتر ما بین ۱ تا ۳ میلیون تومان (۵۹/۷ درصد) می‌باشد. بیشتر افراد به مسائل دینی و مذهبی (۳۷/۷ درصد) و اجتماعی (۳۶ درصد) علاقه دارند. با توجه به تمام بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که ۲۶/۹ درصد افراد در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کردند و ۷۳/۱ درصد نیز مشارکتی نداشتند.

۴-۲ بررسی توصیفی شاخص‌های موثر در کاهش مشارکت در انتخابات

یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

پس از تهیه مدل و بررسی آن توسط خبرگان این حوزه، در نهایت پرسشنامه زیر به منظور بررسی علل و عوامل موثر کاهش مشارکت در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، پرسشنامه‌ای ۲۸ مولفه‌ای با طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) در جدول زیر برای توزیع در میان جامعه آماری توزیع گردید که در ادامه به توصیف ویژگی‌های پاسخگویان خواهیم پرداخت.

۴-۲-۱ توصیف ویژگی‌های پاسخگویان

در این تحقیق سن، جنسیت، وضعیت شغلی، وضعیت تحصیلی، درآمدی و علاقمندی-ها، مشارکت در انتخابات و عدم مشارکت در انتخابات را شامل می‌گردد. در بخش دوم به تحلیل داده‌های آماری از نظر گروه‌های مختلف بررسی می‌شود و در بخش سوم نیز اطلاعات توصیفی متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته و آزمون فرضیه‌ها و نتایج مربوط به آزمون فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با تحلیل داده‌ها از اطلاعات به دست آمده از پاسخ شهروندان اهوازی علل و عوامل موثر بر کاهش مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- سن

سن پاسخگویان بر مبنای حداقل ۱۸ سال و حداکثر تا ۷۰ سال و بالاتر (واجدین شرایط شرکت در انتخابات) را در بر می‌گیرد. در این پژوهش سن پاسخگویان در ۶ گروه

سنی مورد دسته بندی قرار گرفت. ۳۳ نفر زیر ۲۰ سال، ۴۸ نفر بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۸۹ نفر بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۰۸ نفر بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۵۴ نفر بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۳۲ نفر بین سن ۶۱ تا ۷۰ سال و بالاتر می باشند که میزان درصد و فراوانی آن ها در جدول (۴-۲) مشاهده می شود.

جدول (۴-۱) توزیع فراوانی سن پاسخگویان

سن	تعداد	درصد فراوانی
زیر ۲۰ سال	۳۳	۹/۰۶
از ۲۱ تا ۳۰ سال	۴۸	۱۳/۱۸
از ۳۱ تا ۴۰ سال	۸۹	۲۴/۴۵
از ۴۱ تا ۵۰ سال	۱۰۸	۲۹/۶۷
از ۵۱ تا ۶۰ سال	۵۴	۱۴/۸۳
از ۶۱ تا ۷۰ سال و بالاتر	۳۲	۸/۷۹

۲- جنسیت

جدول زیر متغیر تعداد ۱۹۶ نفر آقا و ۱۶۸ خانم که به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می باشد.
جدول (۴-۲) توزیع فراوانی جنسیت

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
مرد	۱۹۶	۵۳
زن	۱۶۸	۴۷

۳- وضعیت تأهل

جدول (۴-۴) تعداد ۲۰۲ متأهل و ۱۶۲ مجرد به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۴-۳) توزیع فراوانی وضعیت تأهل

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
متأهل	۲۰۲	۵۵
مجرد	۱۶۲	۴۵

۴- وضعیت شغلی

در این جدول ۱۲۰ شاغل دولتی، ۳۶ شاغل خصوصی، ۴۲ شاغل آزاد، ۳۴ بیکار، ۳۷ خانه دار، ۷ بازنشسته، ۶۸ دانشجو، ۱۰ سرباز و ۱۰ اشتغال به سایر مشاغل به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۴-۴) توزیع فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
دولتی	۱۲۰	۳۳
خصوصی	۳۶	۱۰
آزاد	۴۲	۱۱
بیکار	۳۴	۹
خانه دار	۳۷	۱۰
بازنشسته	۷	۲
دانشجو	۶۸	۲۱
سرباز	۱۰	۳
سایر	۱۰	۳

۵- وضعیت تحصیلات

در این جدول ۲۸ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۲ راهنمایی، ۴۸ دبیرستان، ۵۷ دیپلم، ۳۸ کاردانی، ۶۴ کارشناسی، ۵۲ کارشناسی ارشد، ۳۳ دکتری و ۱۲ نفر با تحصیلات حوزوی به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۵-۴) توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
ابتدایی	۲۸	۷
راهنمایی	۳۲	۹
دبیرستان	۴۸	۱۳
دیپلم	۵۷	۱۵

کارسانی	۳۸	۱۰
کارشناسی	۶۴	۱۷
کارشناسی ارشد	۵۲	۱۴
دکتری	۳۳	۹
حوزوی	۱۲	۶

۶- وضعیت هزینه خانوار

در این جدول ۲۴ نفر با درآمد زیر یک میلیون، ۴۲ نفر بین یک تا سه میلیون، ۵۵ نفر بین سه تا پنج میلیون، ۸۴ نفر بین پنج تا هفت میلیون، ۱۰۱ نفر بین هفت تا ده میلیون و ۵۸ نفر نیز بالای ده میلیون هزینه ماهانه داشتند و به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۴-۶) توزیع فراوانی وضعیت درآمدی پاسخگویان

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
زیر یک میلیون	۲۴	۶
بین یک تا سه میلیون	۴۲	۱۱
بین سه تا پنج میلیون	۵۵	۱۵
بین پنج تا هفت میلیون	۸۴	۲۳
بین هفت تا ده میلیون	۱۰۱	۲۷
بالای ده میلیون	۵۸	۱۸

۷- حوزه علاقه مندی

در این تحلیل ۱۳۶ نفر به اقتصاد، ۸۸ نفر به سیاست، ۴۶ نفر به مباحث دینی و مذهبی، ۷۹ نفر به مسائل اجتماعی و ۱۵ نفر به سایر حوزه‌ها علاقه‌مند بودند و به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۴-۷) توزیع فراوانی وضعیت علاقه‌مندی به حوزه‌های مختلف

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
اقتصاد	۱۳۶	۳۸
سیاست	۸۸	۲۴
دینی و مذهبی	۴۶	۱۲
اجتماعی	۷۹	۲۲
سایر	۱۵	۴

۸- میزان مشارکت در انتخابات

در این جدول ۹۱ نفر در انتخابات شرکت کردند و ۲۷۳ نفر در انتخابات شرکت نکردند. این افراد به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند که میزان و درصد فراوانی آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۴-۸) توزیع فراوانی وضعیت میزان مشارکت کنندگان در انتخابات

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
افرادی که رأی دادند	۹۱	۲۵
افرادی که رأی ندادند	۲۷۳	۷۵

۳-۴ علل و عوامل کاهش مشارکت در انتخابات از نظر شهروندان در این بخش با توجه به فراوانی پاسخ به سوالاتی که توسط افراد داده شد، دلیل کاهش مشارکت از دیدگاه شهروندان در دسته‌های گروه‌های سنی، گروه‌های جنسیتی، گروه‌های شغلی، گروه‌های تحصیلی، گروه‌های درآمدی، حوزه‌های علاقه‌مندی، مشارکت کنندگان و کسانی که مشارکت نکردند، مشخص می‌گردد.

۱-۳-۴- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر گروه‌های سنی

در این گروه، ۶ زیر مجموعه وجود دارد که هر یک از گروه‌های سنی علل کاهش مشارکت را در آن مشخص کردند. در ادامه در جدول زیر دلایل کاهش مشارکت در هر یک از گروه‌های سنی آمده است.

جدول (۴-۹) توزیع فراوانی میزان مشارکت بر حسب سن

گروه‌های سنی	علت عدم مشارکت	تعداد کل پاسخ دهندگان	درصد
کمتر از ۲۰ سال	کارکرد ضعیف دولت همسو با مجلس	۳۳	۸/۶۷
از ۲۱ تا ۳۰ سال	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	۴۸	۱۴
از ۳۱ تا ۴۰ سال	ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی	۸۹	۲۴
از ۴۱ تا ۵۰ سال	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	۱۰۸	۳۰
از ۵۱ تا ۶۰ سال	نارضایتی مردم از عملکرد نمایندگان گذشته	۵۴	۱۵
بالتر از ۶۰ سال	دخالت نمایندگان در امور اجرایی	۳۲	۸/۳۳

با توجه به فراوانی داده‌ها، مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی دارای بیشتری فراوانی در میان رده‌های سنی بوده است.

۲-۳-۴- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر گروه‌های جنسیتی

در این گروه، ۲ زیر مجموعه وجود دارد که از نظر گروه‌های جنسیتی علل کاهش مشارکت در انتخابات را مشخص می‌کند

جدول (۴-۱۰) توزیع فراوانی میزان مشارکت بر حسب جنسیت

تعداد فراوانی	تعداد کل پاسخ دهندگان	علت عدم مشارکت	گروه‌های جنسی
۴۴/۴۶	۱۶۸	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	خانم
۵۳/۵۶	۱۹۶	کارکرد ضعیف مجلس	آقا

در این مورد نیز مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی از جمله عواملی است که خانم‌ها آن‌ها عامل کاهش مشارکت در انتخابات می‌دانستند و آقایان به طور کلی کارکرد ضعیف مجلس را از علل کاهش مشارکت در انتخابات یاد کردند.

۳-۴-۳- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر گروه‌های شغلی

در این گروه، ۹ زیر مجموعه وجود دارد که گروه‌های شغلی علل کاهش مشارکت را در آن مشخص کردند. در ادامه مشخص می‌گردد که دلایل کاهش مشارکت در هر یک از دسته‌های به چه شکل می‌باشد.

جدول (۴-۱۱) توزیع فراوانی مشارکت کنندگان بر حسب گروه‌های شغلی

تعداد فراوانی	تعداد کل پاسخ دهندگان	علت عدم مشارکت	گروه‌های شغلی
۳۹	۱۲۰	کارکرد ضعیف دولت همسو با مجلس	بخش دولتی
۱۵	۳۶	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	بخش خصوصی
۱۴	۴۲	عدم تحقق وعده‌های نمایندگان	آزاد
۱۴	۳۴	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	بیکار
۱۴	۳۷	ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی	خانه‌دار
۳	۷	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	بازنشسته
۲۹	۶۸	کم توجهی به رای دادن به عنوان وظیفه ملی و حوادث دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸	دانشجو
۴	۱۰	عملکرد ضعیف مسئولان	سرباز
۴	۱۰	عملکرد ضعیف مسئولان استانی و شهرستان	سایر

با توجه به جدول فوق، بیشترین علل عدم مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مربوط به مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی افراد بوده است.

۴-۳-۴- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر گروه‌های تحصیلی

در این گروه، ۹ زیر مجموعه وجود دارد که گروه‌های تحصیلی علل کاهش مشارکت را در آن مشخص کردند. در ادامه مشخص می‌گردد که دلایل کاهش مشارکت در هر یک از دسته‌های به چه شکل می‌باشد.

جدول (۴-۱۲) توزیع فراوانی مشارکت کنندگان بر حسب گروه‌های تحصیلی

تعداد فراوانی	تعداد کل پاسخ دهندگان	علت کاهش مشارکت	گروه‌های تحصیلی
۹	۲۸	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	ابتدایی
۱۲	۳۲	ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی	راهنمایی

۱۴	۴۸	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	دیپستان
۱۷	۵۷	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	دیپلم
۱۴	۳۸	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	کاردانی
۱۷	۶۴	عملکرد ضعیف مجلس و مسئولان اجرایی	کارشناسی
۱۶	۵۲	عملکرد ضعیف مجلس در انجام وظایف قانونی	کارشناسی ارشد
۱۳	۳۳	عملکرد ضعیف مجلس در انجام وظایف قانونی	دکتری
۵	۱۲	اختلاس‌ها و فساد اقتصادی	حوزوی

با توجه به جدول فوق، بیشترین علل عدم مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مربوط به مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی افراد بوده است.

۴-۳-۵- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر گروه‌های درآمدی

جدول (۴-۱۳) توزیع فراوانی مشارکت کنندگان بر حسب گروه‌های درآمد

در این گروه، ۶ زیر مجموعه وجود دارد که گروه‌های درآمدی علل کاهش مشارکت را در آن مشخص

کردند. در ادامه مشخص می‌گردد که دلایل کاهش مشارکت در هر یک از دسته‌ها به چه شکل می‌باشد. با توجه به جدول فوق، بیشترین علل کاهش مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مربوط به عملکرد ضعیف مجلس در انجام وظایف قانونی و نظارتی، مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی بوده است.

۴-۳-۶- علل و عوامل کاهش مشارکت از نظر حوزه‌های علاقمندی

در این گروه، ۵ زیر مجموعه وجود دارد که حوزه‌های علاقه‌مندی علل کاهش مشارکت را در آن مشخص کردند. در ادامه مشخص می‌گردد که دلایل کاهش مشارکت در هر یک از دسته‌های به چه شکل می‌باشد.

جدول (۴-۱۴) توزیع فراوانی مشارکت کنندگان بر حسب حوزه‌های علاقمندی

تعداد فراوانی	تعداد کل پاسخ دهندگان	علت عدم مشارکت	حوزه‌های علاقه‌مندی
۳۸	۱۳۶	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	اقتصاد
۲۴	۸۸	عملکرد ضعیف مجلس در انجام وظایف قانونی و نظارتی	سیاست
۱۳	۴۶	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	دینی و مذهبی
۲۲	۷۹	مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	اجتماعی
۴	۱۵	اختلاس‌ها و فساد اقتصادی	سایر

با توجه به جدول فوق، بیشترین علل عدم مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مربوط به اقتصاد از جمله مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی افراد بوده است.

۴-۴ اطلاعات توصیفی متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته

در این بخش فرضیات مشخص شده در تحقیق در دو دسته فرضیه اصلی و فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرند که در ادامه به تفکیک هر کدام بررسی می‌شوند.

۴-۴-۱ فرضیه اصلی

ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف قانونی و نظارتی موجب کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی بوده است. به منظور بررسی این فرضیه جدول زیر ارائه شده است که فراوانی پاسخ دهندگان به این موضوع را مشخص می‌کند.

جدول (۴-۱۵) فرضیه اصلی کاهش مشارکت

متغیر تحقیق				
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱۸۴	۱۲۵	۳۶	۲۲	۱۷
ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف قانونی و نظارتی				

با توجه به جدول فوق بیش از ۵۰ درصد شرکت کنندگان، این عامل را در کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات موثر می‌دانند. از آنجا که ۸/۸۴ درصد شرکت کنندگان این موضوع را تأیید می‌کنند، می‌توان دریافت که این فرضیه مورد تأیید است و ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف قانونی و نظارتی موجب کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی بوده است.

۴-۴-۲ فرضیات فرعی:

۱- بین عوامل سیاسی نظیر عدم تحقق وعده‌های نمایندگان، ضعف کارایی نهادهای انتخابی و فضا سازی رقبا و مخالفین با کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴-۱۶) فرضیه فرعی کاهش مشارکت

متغیر تحقیق				
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱۹۷	۱۰۲	۳۳	۲۰	۱۲
عدم تحقق وعده‌های نمایندگان				
۱۳۰	۱۱۸	۶۶	۲۷	۲۳
ضعف کارایی نهادهای انتخابی و فضا سازی رقبا و مخالفین				

با توجه به جدول بالا، عدم تحقق وعده‌های نمایندگان مجلس موافقت ۸۲/۱ درصد مردم در کاهش مشارکت در انتخابات را در پی داشت. در کنار این عامل ضعف کارایی

نهادهای انتخابی و فضا سازی رقبا و مخالفین با موافقت ۶۸/۱ درصدی مردم همراه بود که در نهایت رابطه‌ی معنادار بین هر دو متغیر با کاهش مشارکت مردم در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در شهر اهواز را تأیید می‌کند.

۲- بین عوامل اقتصادی نظیر مشکلات معیشتی، عملکرد دولت تا حدودی همسو با مجلس، اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴-۱۶-۱) فرضیه فرعی کاهش مشارکت

متغیر تحقیق	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی	۱۸۴	۱۳۵	۱۸	۱۷	۱۰
عملکرد دولت تا حدودی همسو با مجلس	۱۶۴	۱۲۶	۳۵	۲۳	۱۸
اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸	۱۶۸	۱۳۸	۲۸	۱۸	۱۲

با توجه به جدول بالا، مشکلات معیشتی، بیکاری و ناامیدی موافقت ۸۷/۶ درصد مردم در کاهش مشارکت در انتخابات را در پی داشت. در کنار این عامل عملکرد ضعیف دولت تا حدودی همسو با مجلس با موافقت ۷۹/۶ درصدی مردم همراه بود. در نهایت اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ مطرح شد که ۸۴ درصد مردم، این عامل را موجب کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات می‌دانند. یا توجه به این موارد مطرح شده، رابطه‌ی معنادار بین هر سه متغیر با کاهش مشارکت مردم در انتخابات تأیید می‌گردد.

تحلیل یافته‌ها و نتیجه گیری:

تحقیق حاضر به دنبال شناخت و بررسی علل و عوامل موثر در کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در شهر اهواز بوده است. براساس چارچوب نظریه رضایت‌مندی سیاسی باید گفت که عوامل متعددی بر مشارکت سیاسی ۴۳ درصدی (طبق آمار رسمی وزارت کشور، ایسنا، ۱۳۹۸/۱۲/۳) اهواز تاثیر گذاشته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین ترتیب بوده است که: علل و عوامل موثر بر کاهش میزان مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در انتخابات یازدهمین دوره‌ی محسوب می‌شود چه بوده است؟. فرضیه اصلی عبارت است از اینکه عدم تحقق انتظارات مردم در زمینه‌های تفنینی، اقتصادی-معیشتی، ناکارآمدی و ناامیدی از عملکرد نمایندگان از مهم‌ترین عوامل موثر بر کاهش مشارکت سیاسی شهروندان این شهر در انتخابات تلقی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان، خبرگان، فعالان سیاسی و شهروندان شهر اهواز بوده است. روش پژوهش کیفی و کمی بوده و ابزار پژوهش پرسشنامه نیز بوده است. بخش کیفی براساس نظریه رضایت‌مندی سیاسی تدوین شده است و بخش کمی آن به شکل

تصادفی بوده است. این نمونه آماری توسط فرمول کوکران تعداد ۳۸۶ نفر از شهروندان اهوازی انتخاب شده اند و سپس با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. براساس یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، محورهای ذیل از سوی پاسخ‌دهندگان مورد تایید قرار گرفته است:

- فرضیه اصلی: ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف قانونی و نظارتی موجب کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی بوده است.

- فرضیه فرعی اول: بین عوامل سیاسی نظیر عدم تحقق وعده‌های نمایندگان، ضعف کارایی نهادهای انتخابی و فضا سازی رقبا و مخالفین با کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات رابطه معناداری وجود دارد.

- فرضیه فرعی دوم: بین عوامل اقتصادی نظیر مشکلات معیشتی، عملکرد دولت تا حدودی همسو با مجلس، اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نظریه رضایت‌مندی سیاسی هانتینگتون و نلسون می‌توان تحلیل کرد که در شهری مثل اهواز که با مشکلات و چالش‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی مواجه است، ارتقا و افزایش مشارکت مردمی در آن کمتر رخ داده و اهداف انتخاباتی محقق می‌شود. زیرا به واسطه‌ی عوامل زمینه‌ای چون مشکلات معیشتی - اقتصادی و ناکارآمدی نمایندگان در بهبود وضعیت زیست شهروندان باعث کاهش رضایت‌مندی سیاسی و کاهش مشارکت سیاسی در اهواز شده است. و می‌توان گفت بین رضایت‌مندی سیاسی و همچنین کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. و نتایج تحقیق با نظریات هانتینگتون و نلسون مطابقت داشته و آنها را تایید می‌کند. زیرا براساس نظریه نلسون و هانتینگتون کاهش رضایت سیاسی در میان شهروندان عامل مهمی در کاهش مشارکت سیاسی-اجتماعی در جامعه است و همین موضوع به طور عکس نیز صادق است.

در این زمینه باید نقش عوامل زمینه‌ای را نیز در حوزه‌های مختلف بر کاهش رضایت-مندی سیاسی شهروندان اهوازی نیز در نظر گرفت. به طور خلاصه باید گفت نبود برنامه‌ای جامع برای توسعه شهر اهواز، ضعف بدنه مدیریتی و جنگ ۸ ساله با عراق، نه تنها در راستای توانمندسازی، فقرزدایی و ایجاد اشتغال برای ساکنین بومی به کار گرفته نشده بلکه خود به مانعی در مسیر توسعه‌ی پایدار و همه‌ی جانبه‌ی شهر اهواز و استان خوزستان تبدیل گردیده است. تمرکز صرف بر استخراج ذخائر نفتی و گازی و نادیده گرفتن و یا ناچیز

انگاشتن سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از سایر فرصت‌های موجود نه تنها مسائل اقتصادی عدیده‌ای از قبیل نرخ بالای بیکاری و مهاجرت را رقم زده بلکه فرصت باروری سایر حوزه‌ها و استفاده از پتانسیل‌های موجود را گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به عدم سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری به‌رغم ظرفیت‌های بی‌شمار شهر اهواز و استان خوزستان، آسیب‌های محیط زیستی جبران‌ناپذیر، بی‌توجهی به کسب دانش و تکنولوژی در زمینه‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر، وجود عدم تعادل‌های چشمگیر در مناطق جغرافیایی از نظر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد.

این در حالی است که براساس پژوهش‌های متعددی که طی سالیان منتهی به انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی در باب مسائل خوزستان و به ویژه شهر اهواز صورت گرفته، نشان دهنده‌ی وضعیت حساس و رو به وخامت این شهر و استان است. به طور ویژه طبق گزارش «مسئله‌شناسی استان خوزستان» که در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری تهیه شده است، این استان طبق شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و صنعتی، زیست محیطی و سلامت، جز سه استان کشور با بدترین وضعیت در این شاخص‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، بهمن ۱۳۹۶ و آذر ۱۳۹۷).

به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که برنامه‌های ملی با تاکید بر ذخائر طبیعی خاص استان بدون توجه به پیامدهای آن و در مواردی در تضاد قرار گرفتن برنامه‌های استان و برنامه‌های کشور که ناشی از ضعف نگاه مدیریتی کارآمد و یک‌پارچه است روند رشد و توسعه‌ی استان را مختل نموده‌اند و به‌نوعی زمینه‌ی نارضایتی قومی را که با توجه به موقعیت استراتژیک شهر اهواز و وجود برخی تحریکات بیرونی می‌تواند ابعاد سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه‌ای را بیابد فراهم آورده‌اند. به نظر می‌رسد با چنین زمینه‌ای اقتصادی و سیاسی نمی‌توان انتظار شکل‌گیری ذهنیت مثبت نسبت به مشارکت شهروندان اهوازی در پویسهای انتخاباتی همچون انتخابات مجلس داشت.

در نهایت به عنوان جمع‌بندی باید گفت داده‌های این تحقیق گویای کاهش مشارکت در بین قشرهای مختلف شهروندان اهوازی بوده است که متغیرهای مورد بررسی در قالب عوامل سیاسی و اقتصادی مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند. همان طوری که در گویه‌ها و سنجه‌های این تحقیق ملاحظه می‌شود علل و عوامل متعددی در کاهش میزان مشارکت شهروندان اهوازی بیان شده است. عدم تحقق انتظارات مردم در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی از مهمترین عوامل موثر بر کاهش مشارکت سیاسی شهروندان این شهر در انتخابات تلقی می‌شود. بر اساس مفروضات این تحقیق عوامل اقتصادی از جمله مشکلات معیشتی نظیر (گرانی، تورم و بیکاری، عملکرد اقتصادی دولت تا حدودی همسو با مجلس و

اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ عوامل سیاسی از جمله ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف قانونی و نظارتی، عدم تحقق وعده های نمایندگان، ضعف نهادی انتخابی و فضا سازی رقبا از مهمترین علل و عوامل موثر در کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شهر اهواز بوده است. علاوه بر عوامل ملی و فرا منطقه ای تاثیرگذار، عوامل منطقه ای و استانی از جمله خشکسالی ها، ریزگردها، انتقال آب از سرشاخه های کارون به فلات مرکزی و ضعف و ناکارآمدی نیروهای اداری در دستگاه های اجرایی استان تقویت کننده کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در این شهر بوده است.

با توجه به آنچه گذشت برای حل مسائل موجود، بهبود شرایط و حتی تبدیل استان به تامین کننده ی بخش وسیعی از درآمد ملی نه تنها با استخراج منابع تجدیدناپذیر بلکه با توسعه ی فرصت های رشد و سرمایه گذاری در سایر زمینه ها، نیاز به مدیریت هماهنگ، یک پارچه و توانمند در پیگیری سیاست های توسعه ی پایدار شهری و استانی و ملی بمنظور حذف عدم تعادل های وسیعی که در حوزه های گوناگون درون استانی همچون شهر اهواز و میان استانی وجود دارد.

همچنین نظارت عمومی (از سوی صنوف و رسانه و تشکلهای مدنی) بر رفتار و کنش و برنامه های نمایندگان مردم اهواز به طور اخص و نمایندگان استان خوزستان به طور اعم، این قابلیت را دارد تا ضمن تدقیق در تصمیمات و سوق دادن پیگیریهای آنها در راستای نیازهای واقعی مردم اهواز، موجب افزایش کارآمدی و تاثیرگذاری بر کاهش مشکلات و چالشهای این شهر و متعاقب آن افزایش مشروعیت و نیز مشارکت سیاسی مردم در انتخاباتهای آتی خواهد شد.

استناد به این مقاله: مدرسی، محمد، برزگر، کیهان، ابطحی، سید مصطفی. (۱۴۰۳). بررسی مشارکت سیاسی شهروندان اهوازی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۸(۶۸)، ۳-۱۸.



The Islamic Revolution Approach Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

منابع و مآخذ:

- حاجی پور، حسین؛ امینی، یوسف؛ کردزنگنه، منوچهر. (۱۳۹۹). «تاثیر سرمایه اجتماعی بر الگوهای مشارکت-پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز»، **فصلنامه علوم اجتماعی** دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۲۷-۵۲.
- سبکتکین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ سباطیان، سیدمحمد؛ جعفری، احمد. (۱۳۹۵). «رضایتمندی و مشارکت سیاسی-اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج». **جامعه شناسی کاربردی**، ۱۷(۳)، ۹۷-۱۱۶.
- شفیعی سیف-آبادی، محسن. (۱۴۰۰). «بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان؛ برپایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریو نویسی شوارتز»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۳، صص ۶۱-۱۰۸.
- شیخ-زاده، حسین. (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت مردم تهران در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی»، **فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران**، سال ۴، شماره ۴، صص ۷۵-۵۴.
- عبدالله، عبدالملک؛ توکل نیا، پرویز. (۱۴۰۱). «بررسی علل و عوامل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره-۱ مجلس شورای اسلامی»، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۷۷.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۴). **نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی: بررسی مسائل نظریه‌پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمی، مهرا؛ ادیبی، سده، مهدی؛ ایدر، نبی-اله. (۱۴۰۱). «تحلیل جامعه شناختی نقش مسئولیت‌پذیری شهروندان اهواز در مشارکت سیاسی». **ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران**، سال ۵، شماره ۱۷۸-۱۹۷، ۶۱۹۷.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۷). گزارش مسأله-شناسی راهبردی استان خوزستان، تهران: نهاد ریاست جمهوری.
- همتی، فتحعلی؛ اروان‌بند، امین؛ حقیقی، علی محمد (۱۴۰۰). «بررسی علل کاهش مشارکت سیاسی در یازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین-المللی**، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۲۶۷-۲۸۶.
- Giugni, Marco; Grasso, Maria. (2022). **the Oxford Handbook of Political Participation**. Oxford: Oxford University Press.
- Huntington, Samuel P.; Nelson, Joan M. (1976). **Political Participation in Developing Countries**. Cambridge: Harvard University Press.
- Hudson, Alexander. (2021). **the Veil of**
- Participation: Citizens and Political Parties in Constitution-Making Processes. New York: Cambridge University Press.
- Stacey, Timothy. (2022). **Saving Liberalism from Itself: The Spirit of Political Participation**. Bristol: Bristol University Press.
- Abdullah, A., & Towkelnia, P. (2022) *Investigating the causes and factors of decreased political participation in the 11th Islamic Consultative Assembly elections Contemporary Political Studies*, 13(2), 147-177 (in Persian)
- Giugni, M., & Grasso, M. (2022) *The Oxford handbook of political participation* Oxford: Oxford University Press
- Hosseini, H., Amini, Y., & Kordzanganeh, M. (2020) *The impact of social capital on political participation patterns among citizens over 18 in Ahvaz Quarterly Journal of Social Sciences, Islamic Azad University of Shushtar Unit*, 14(4), 27-52 (in Persian)
- Hudson, A. (2021) *The veil of participation: Citizens and political parties in constitution-making processes* New York: Cambridge University Press
- Huntington, S. P., & Nelson, J. M. (1976) *Political participation in developing countries* Cambridge: Harvard University Press
- Karimi, M., Adibi Sadeh, M., & Eider, N. (2022) *Sociological analysis of the role of citizen responsibility in political participation in Ahvaz Monthly Journal of Iranian Political Sociology*, 5(11), 6178-6197 (in Persian)
- Kheirallah, S., Afkar Sarand, H., & Darvish Motavali, M. (2016) *Satisfaction and political-social participation: A case study of citizens in Karaj Applied Sociology*, 27(3), 97-116 (in Persian)
- Shafi'i Saif Abadi, M. (2021) *Exploring the reasons for decreased public participation in the 2021 elections and future electoral behavior based on Milbrath's political participation theory and Schwartz's scenario writing theory Political Science Research Journal*, 3, 61-108 (in Persian)
- Sheikhzadeh, H. (2021) *Social factors influencing political participation in Tehran's 11th Majlis elections Quarterly Journal of Iranian Political Sociology*, 4(4), 54-75 (in Persian)
- Strategic Studies Center of the Presidency. (2018) *Strategic issue diagnosis report of Khuzestan Province* Tehran: Presidential Office Publications (in Persian)

Tohidfam, M. (2017) *Good governance and social security system Scientific and Cultural Publications (in Persian)*

Zare, M. T., & Mohammadi, F. (2021) *Investigating the causes of decreased political participation in the 11th Majlis elections Quarterly Journal of Political and International Studies, 12(48), 267–286 (in Persian)*